

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده کشاورزی - گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد *M.sc.*

گرایش:

اقتصاد کشاورزی

عنوان:

بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات مواد غذایی در ایران

استاد راهنما:

دکتر سید نعمت اله موسوی

استاد مشاور:

دکتر بهاء الدین نجفی

نگارش:

میترا عزیزی

زمستان ۱۳۹۰



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده کشاورزی - گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد *M.sc.*

گرایش:

اقتصاد کشاورزی

عنوان:

بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات مواد غذایی در ایران

استاد راهنما:

دکتر سید نعمت اله موسوی

استاد مشاور:

دکتر بهاء الدین نجفی

نگارش:

میترا عزیزی

زمستان ۱۳۹۰

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.SC)

نام و نام خانوادگی دانشجو: میترا عزیزی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ رشته: مهندسی کشاورزی - اقتصاد
کشاورزی

از پایان نامه خود با عنوان: بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات مواد غذایی در ایران
با درجه..... و نمره..... دفاع نموده است.

امضاء اعضاء هیات داوری	سمت	نام و نام خانوادگی اعضاء هیات داوری
	استاد راهنما	۱- دکتر سید نعمت اله موسوی
	استاد مشاور	۲- دکتر بهاء الدین نجفی
	استاد داور	۳- دکتر زکریا فرج زاده

مراتب فوق مورد تأیید است.

مدیر / معاونت پژوهشی

مهر و امضاء



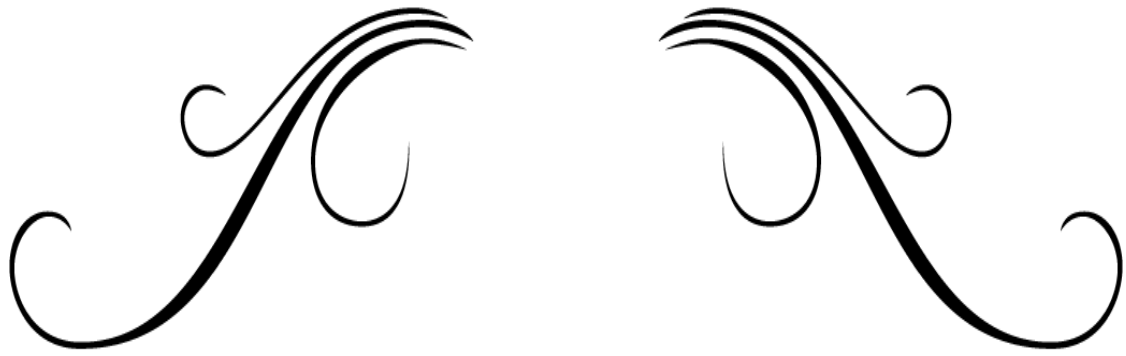
تقدیم به

همسر و فرزند عزیزم

و

پدر و مادر مهربانم





سپاسگزاری

با تقدیر و سپاس فراوان از استاد ان گران قدر و فرزانه جناب آقای دکتر سید نعمت اله موسوی ، راهنمای رساله و جناب آقای دکتر بهاءالدین نجفی مشاور رساله که در مسیر انجام پژوهش با راهنمایی های دقیق و سودمند، راه گشا و راهنمای اینجانب بودند و دانش و تجربیات خود را صادقانه در اختیار بنده قرار دادند. همچنین بر خود فرض می دانم که از جناب آقای دکتر فرج زاده که در این مقطع تحصیلی همواره حامی و راهنمای دانشجویان بودند و با صبر و حوصله فراوان به سوالات بی شمار پاسخ میدادند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات مواد غذایی در ایران

چکیده

شناسایی رفتار واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی، برای طرح ریزی سیاست های مناسب امنیت غذایی همواره مورد توجه محققین اقتصادی بوده است. همچنین انتخاب استراتژی مناسب واردات منوط به در نظر گرفتن عوامل موثر بر آن می باشد. این مطالعه با هدف شناسایی و بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات مواد غذایی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۰ انجام شد. به منظور بررسی رابطه میان متغیرها از الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL)^۱، استفاده گردید. عوامل موثر بر تقاضای واردات مواد غذایی نیز شامل قیمت نسبی مواد غذایی، تولید ناخالص داخلی بدون نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت، نرخ واقعی ارز و درجه باز بودن اقتصاد انتخاب گردید. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان داد که در بلند مدت واردات با تولید ناخالص داخلی بدون نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و درجه باز بودن اقتصاد رابطه مثبت و با قیمت نسبی مواد غذایی و نرخ واقعی ارز رابطه منفی دارد. همچنین نتایج حاصل از برآورد رابطه کوتاه مدت بین متغیرها با استفاده از الگوی تصحیح وخطا بیانگر آن بود که در هر دوره ۵۵٪ از عدم تعادل از بین می رود و تعدیل در جهت بلند مدت صورت می گیرد.

واژه های کلیدی: تقاضای واردات، بخش کشاورزی، مواد غذایی، الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده

(ARDL)، ایران.

^۱ -Auto Regressive Distribution Lag

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
آ	چکیده
۱	فصل اول کلیات پژوهش
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- بیان مسئله
۴	۳-۱- اهداف تحقیق
۵	۴-۱- فرضیات تحقیق
۶	۵-۱- پیشینه تحقیق
۶	۱-۵-۱- مطالعات داخلی
۱۸	۲-۵-۲- مطالعات خارجی
۲۶	فصل دوم مبانی نظری و روش پژوهش
۲۷	۱-۲- مقدمه
۲۷	۲-۲- معرفی الگو
۳۴	۳-۲- برآورد الگو
۳۴	۱-۳-۲- آزمون ایستایی
۳۶	۲-۳-۲- آزمون دیکی فولر تعمیم یافته
۳۷	۳-۳-۲- آزمون شکست ساختاری
۳۹	۴-۲- بررسی روابط بلند مدت بین متغیرها
۴۰	۵-۲- الگوی خودتوضیح با وقفه های گسترده
۴۳	۶-۲- داده ها و منابع آماری

فصل سوم نتایج و بحث.....	۴۴
۱-۳- مقدمه	۴۵
۲-۳- نتایج آزمون ایستایی.....	۴۵
۳-۳- برآورد الگو.....	۴۷
۱-۳-۳- نتایج آزمون شکست ساختاری.....	۴۸
۲-۳-۳- مدل خودتوضیح با وقفه های گسترده.....	۴۹
۳-۴- برآورد رابطه کوتاه مدت بین متغیرها با استفاده از مدل تصحیح خطا.....	۵۴
خلاصه و نتیجه گیری.....	۵۷
پیشنهادات.....	۵۸
پیوست	۶۰
منابع و ماخذ.....	۶۶

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۴۶	جدول ۱-۳
۴۶	جدول ۲-۳
۴۷	جدول ۳-۳
۴۷	جدول ۴-۳
۴۸ ..	جدول ۵-۳
۵۱	جدول ۶-۳
۵۲	جدول ۷-۳
۵۳	جدول ۸-۳

فصل اول

کلیات و پیشینه پژوهش

امروزه تجارت خارجی به عنوان یکی از مهمترین بخش های اقتصادی در اغلب کشورهای در حال توسعه مورد توجه می باشد. تجربه های اخیر نشان داده است که تنها کشورهایی می توانند ابتکار عمل را در این بخش داشته باشند که با توجه به اهد اف بلند مدت اقتصادی- اجتماعی، برنامه معینی را طرح ریزی و سازماندهی کرده باشند. کشورهایی که توانسته اند سیستم های صحیحی را در این بخش انجام دهند، ضمن آنکه کلیه امکانات خود را در خدمت اهداف توسعه به کار گرفته اند، از بروز بحران هایی همچون، بحران در تراز پرداخت ها جلوگیری کرده اند (تشکینی و باستانی، ۱۳۸۵). بدیهی است برای اتخاذ سیاست های مناسب در بخش تجارت خارجی، شناخت هر چه دقیق تر صادرات و واردات و عوامل اثرگذار بر آنها الزامی است.

در دنیای امروزه که قدرت اقتصادی، جایگاه کشورها را در صحنه بین الملل تعیین می کند، تولید محصولات غذایی و کشاورزی که برطرف کننده نیازهای اولیه و ضروری انسانها می باشد از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. به طوری که حتی کشورهای پیشرفته سعی دارند، بدون توجه به برخی از اصول قبول شده اقتصاد، مواد غذایی مورد نیاز جامعه را با حمایت از تولیدکنندگان داخلی تامین کنند، تا در شرایط بروز خطر، مردم از جهت تامین حداقل معاش خاطری آسوده داشته باشند. در مجموع خودکفایی در تولید محصولات غذایی در کلیه کشورهای جهان از اولویت بالایی برخوردار است (ضیایی، ۱۳۷۵). در بخش تجارت خارجی اقتصاد ایران، واردات از جمله مباحثی است که اهمیت و جایگاه آن به ویژه با ظهور بخش نفت دائما افزایش یافته است (تشکینی و باستانی، ۱۳۸۵). همچنین در تجزیه و تحلیل مسائل کلان و سیاست گذاریهای اقتصادی، بررسی تابع تقاضای واردات از اهمیت خاصی در شناخت الگوی اقتصادی کلان و اثربخشی و کارایی سیاست های بازرگانی کشور برخوردار است. از این رو هر تغییر و تحولی که در واردات کشور رخ دهد، در فرآیند تولید، رشد و توسعه تاثیر بسزایی خواهد داشت (سپانلو و قنبری، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیت تامین مواد غذایی در فرآیند توسعه اقتصادی، بحث امنیت غذایی همواره در کشورهای در حال توسعه مطرح بوده و متغیر واردات مواد غذایی به عنوان یک متغیر اثرگذار بر عرضه و تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی مورد توجه سیاستگذاران بوده است (قطمیری و هراتی، ۱۳۸۳). لذا برای طرح ریزی سیاستهای امنیت غذایی مناسب، رفتار وارداتی کشور در این زمینه حائز اهمیت است و این امر به وسیله برآورد تابع تقاضای واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی محقق می شود.

۱-۲- بررسی بازرگانی خارجی ایران

واردات کل کشور تا سال ۱۳۵۰ کمتر از ۲.۵ میلیارد دلار بوده است، اما در پی شوک نفتی سال ۱۳۵۳ (جنگ اعراب و اسرائیل) و چهار برابر شدن قیمت نفت، ارزش واردات کل از رقم ۳.۴ میلیارد دلار در سال فوق به ۸.۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۴ رسید. از سال ۱۳۵۷ به بعد نیز واردات کشور با چندین شوک جدید روبرو شد و میزان واردات کشور که در سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ و در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی کاهش داشته و به رقمی حدود ۱۰ میلیارد دلار در سالهای فوق رسید، اما مجدداً در سال ۱۳۶۲ به اوج خود رسید و به رقم ۱۸.۱ میلیارد دلار بالغ گشت. پس از آن واردات سیر نزولی به خود گرفت که دلیل اصلی آن تحریم های ناشی از جنگ تحمیلی بود به طوری که از سال ۱۳۶۸ به بعد مجدداً شاهد افزایش شدید واردات بودیم و واردات کل که در سال های ۱۳۶۷ به حداقل خود در دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۴ یعنی رقم ۸.۲ میلیارد دلار رسیده بود با ۲۶۲ درصد افزایش به رقم ۲۹.۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ رسید. در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ بالاترین میزان واردات تا آن زمان یعنی ارقام ۲۹.۷ و ۲۹.۸ میلیارد دلار را شاهد بودیم. در سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ نیز واردات کل نوسان های زیادی داشته و در نهایت از سال ۱۳۷۸ دوباره سیر صعودی به خود می گیرد، که دلیل عمده آن رونق بازار نفت و افزایش قیمت جهانی نفت است. آزادسازی تجاری در سال های اخیر موجب تداوم روند افزایشی واردات شده است (سپانلو و قنبری، ۱۳۸۹). به طور کلی بر اساس آمار سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO) در طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰ ارزش کل واردات

تقریباً ۶۹۱ میلیارد دلار بوده که از این مقدار به میزان ۹۵ میلیارد دلار مربوط به واردات مواد غذایی و کشاورزی می باشد.

۱-۳- بیان مسئله

در بخش بازرگانی خارجی اقتصاد ایران، واردات مقوله ای است که در طول تاریخ تجارت خارجی ایران به ویژه با ظهور بخش نفت، اهمیت و نقش آن دائماً گسترش یافته است، این مقوله از یک طرف به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد و تولید ناخالص داخلی و از طرف دیگر، به عنوان یکی از اقلام مهم تراز پرداخت - های هر کشور محسوب می شود. از این رو هر تغییر و تحولی که در واردات کشور رخ دهد در فرایند تولید، رشد و توسعه تأثیر بسزایی خواهد داشت . کشورهای در حال توسعه، از نظر ساختار اقتصادی دارای ویژگی های مشترکی هستند . به عنوان مثال می توان نوع تولید در این کشورها را نام برد که بیشتر، محصولات کشاورزی و سنتی را در برمی گیرد. جهت انتقال از مرحله تولید سنتی به مرحله تولید صنعتی و گذراندن مراحل توسعه اقتصادی، واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و فن آوری مناسب، زمینه ساز تحول صنعتی و اجتماعی می باشد (فرجادی و لعلی، ۱۳۷۶). ولی اگر حجم واردات کالای مصرفی مانند مواد غذایی زیاد باشد، ضد تولید می شود. از تبعات افزایش واردات کالاهای مصرفی کاهش اشتغال می باشد . امروزه با توجه به رشد روزافزون جمعیت کشورها از یکسو و محدودیت هر چه بیشتر منابع تولیدی از سوی دیگر، تأمین مواد غذایی مورد نیاز مردم به عنوان ضروری ترین عامل در کسب موفقیت استقلال اقتصادی مطرح می گردد. از نظر صادرات محصولات کشاورزی، ایران کشوری نسبتاً کوچک ولی از نظر واردات در بعضی موارد کشوری نسبتاً تأثیرگذار در بازرگانی خارجی یا تجارت می باشد؛ به عبارت دیگر بخش عمده تجارت بخش کشاورزی، مربوط به واردات است (محمدی، ۱۳۷۸). از این رو ضرورت تأمین خودکفایی در بخش کشاورزی سبب شده است که سیاستگذاران ضمن تحلیل کارایی روش های فعلی تأمین و بازاررسانی مواد غذایی، در پی شناخت عوامل مؤثر بر واردات محصولات کشاورزی باشند و با بررسی واردات مواد غذایی، عوامل تأثیرگذار بر واردات شناسایی شود تا بتوان با به کار گیری راهکارهایی مناسب، زمینه های افزایش تولید

مواد غذایی در کشور، کاهش واردات آن و بسیاری از پیامدهای مثبت دیگر را فراهم کرد (کمیجانی، ۱۳۸۰). از آن جایی که یک قدم اساسی در راستای شناخت ساختار واردات مواد غذایی کشور، برآورد تابع تقاضای واردات مواد غذایی است. هدف اصلی این مطالعه، برآورد تابع تقاضای واردات مواد غذایی کشور ایران و بررسی عوامل موثر بر آن می باشد.

۴-۱- اهداف تحقیق

هدف از انجام این مطالعه :

۱. تحلیل اثر متغیرهای قیمت نسبی مواد غذایی، تولید ناخالص داخلی، نرخ واقعی ارز، شاخص باز بودن اقتصاد و درآمد نفت بر واردات مواد غذایی
۲. مقایسه رفتار واردات در بلند مدت و کوتاه مدت می باشد.

۵-۱- فرضیات تحقیق

۱. کشش تقاضای واردات مواد غذایی نسبت به تولید ناخالص داخلی در بلندمدت کمتر از واحد است.
۲. کشش قیمتی تقاضای واردات مواد غذایی در بلندمدت کمتر از واحد است.

۶-۱- پیشینه تحقیق

در ادامه، به بیان شواهد تجربی پیرامون تقاضای واردات به ترتیب در قالب مطالعات انجام شده در داخل کشور و مطالعات خارجی خواهیم پرداخت، و در نهایت جمع بندی مطالعات انجام می گیرد.

۱-۶-۱- مطالعات داخلی

ضیایی (۱۳۷۵)، مطالعه ای را با هدف تدوین و تخمین مدلی مناسب برای تقاضای کل واردات محصولات کشاورزی ایران طی دوره (۱۳۷۱-۱۳۴۳) انجام داد. در این راستا پس از شناسایی مدل مناسب معینی مدل جانشینی ناقص، جهت تقاضای واردات محصولات کشاورزی، درآمد جامعه (تولید ناخالص داخلی) و قیمت وارداتی محصولات کشاورزی به قیمت محصولات داخلی به عنوان متغیرهای تعیین کننده مدل معرفی شدند.

نتایج حاصله نشان داد که واردات این محصولات با درآمد جامعه رابطه مثبت و با قیمت نسبی محصولات کشاورزی رابطه منفی دارد. همچنین با وارد کردن متغیر مجازی به عنوان نماینده افزایش قیمت تحت، جنگ تحمیلی و وقوع انقلاب اسلامی مشاهده شد که افزایش قیمت نفت، نقش مثبتی در واردات محصولات کشاورزی داشته ولی جنگ اثر قابل ملاحظه ای ندارد.

این مطالعه همچنین بیانگر آن بود که به ازاء ۱ درصد افزایش در درآمد جامعه تقاضای واردات محصولات کشاورزی به اندازه ۱/۱۸ درصد رشد دارد و به ازاء ۱٪ افزایش در قیمت نسبی کالای وارداتی به داخل، تقاضای واردات قبل از افزایش قیمت نفت ۱۳۵۳، به میزان ۳/۵٪ و سپس از حادثه افزایش قیمت نفت به میزان ۲۱٪ کاهش می یابد.

همچنین کشش درآمدی کوتاه مدت تقاضای واردات محصولات کشاورزی به میزان ۱/۱۲ و کشش بلند مدت برابر ۲/۱۹ به دست آمد که این به این معناست که در بلند مدت در مقابل تغییر درآمد، تقاضای واردات حساسیت بیشتری از خود نشان می دهد که نشان از باز بودن اقتصاد در بلند مدت است.

در مطالعه کیانی و حسونند (۱۳۷۶)، رابطه بلند مدت تعادلی بین متغیرهای موثر بر تقاضای واردات با استفاده از روش همگرایی مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه واردات تابعی از درآمدهای ارزی، شاخص قیمت کالاهای خارجی به داخلی، تولید ناخالص داخلی و ذخایر بین المللی واقعی با وقفه بود. نتایج نشان داد که قیمت نسبی، بیشترین کشش بلند مدت را دارا است و افزایش قیمت های نسبی باعث کاهش واردات می شود.

خیابانی (۱۳۷۸)، رفتار واردات ایران را با استفاده از مدل های عدم تعادل و تصحیح خطا مورد مطالعه
قرا داد. وی به منظور توضیح رفتار واردات در ایران از دو رژیم وارداتی به شکل برون زایی و درون زایی
استفاده نمود. در اولین رژیم وارداتی، واردات با محدودیت های خارجی (ذخایر ارزی قابل دسترس) و در
دومین رژیم واردات متغیرهای متداول طرف تقاضای واردات (قیمت و تولید) استفاده گردید. ضرایب کوتاه
مدت و بلند مدت به طور همزمان بر اساس روش حداکثرراست نم ایی برآورد شده است. نتایج برآوردی در
اولین رژیم وارداتی، کشش درآمدی و قیمتی را در بلند مدت برابر $1/61$ و $-0/84$ و در کوتاه مدت برابر
 $1/79$ و $-0/34$ نشان می دهد. نکته با اهمیت آن است که مدل، کشش کوتاه مدت درآمدی را بزرگتر از
کشش بلند مدت آن برآورد نموده است. نتیجه حاصل می تواند چنین تغییر گردد که در کوتاه مدت به دلیل
عدم امکان سریع جانشینی داخلی به جای خارجی، افزایش تولید به شدت واردات را در کوتاه مدت (به ویژه
واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای) افزایش می دهد. اما پایین بودن کشش بلند مدت درآمدی نسبت
به کوتاه مدت آن می تواند دلالت بر امکان جانشینی واردات در دوره های بلند مدت زمانی داشته باشد.
نتایج در دومین رژیم وارداتی، تقریباً مشابه با اولی ن رژیم وارداتی است، با این تفاوت که اهمیت اثر
ذخایر ارزی در توضیح دهی واردات بیشتر تعدیل شده است. سرعت تعدیل بلند مدت در هر دو مدل به
ترتیب با $-0/34$ و $-0/49$ است.

پروین و یوسفی (۱۳۷۹)، در پژوهشی به منظور بررسی تابع تقاضای واردات ایران دو فرضیه اساسی
در باره ی وجود رابطه جانشینی بین واردات و خدمات سرمایه ای و واردات و نیروی کار را مورد آزمون قرار
دادند. برای آزمون فرضیه های فوق از تابع هزینه ترانس لوگ دوستانده ای (کالاهای مصرفی و سرمایه ای)،
سه نهاده ای (نیروی کار، سرمایه و واردات) استفاده شد که واردات به عنوان یک عامل تولید به عوامل تولید
نیروی کار و سرمایه اضافه شده است. سپس بر اساس روش حداقل مربعات سه مرحله ای تکراری و برآورد
معادله های سهم هزینه و درآمد، کشش های جانشینی و قیمتی تقاضا برای عوامل تولید برآورد شدند. نتایج
حاصل از پژوهش، نشان داد که رابطه ی جان شینی بین عوامل تولید، یعنی واردات و خدمات سرمایه ای،
واردات و نیروی کار، خدمات سرمایه ای و نیروی کار، از نظر عددی، مقادیر کوچکی هستند و دو عامل

نیروی کار و سرمایه، جانشین ضعیفی برای واردات می باشد. روند رابطه جانشینی بین عوامل تولید حاکی از این واقعیت است که اقتصاد کشور تحت الشعاع درآمدهای نفتی بوده و کشش جانشینی محاسبه شده بین عوامل تولید به شدت از نوسان های ناشی از بحران های نفتی متأثر هستند.

پور مقیم، (۱۳۷۹)، به تحقیق پیرامون تابع تقاضای واردات ایران پرداخت. وی مدلی را بر اساس حداکثر سازی مطلوبیت بین دو ره ای مصرف کننده ارائه کرد که منتج به تابع تقاضای وارداتی گردید و عوامل موثر بر آن، متغیر قیمت نسبی و متغیر دیگر، متغیر "سطح فعالیت" (تولید ناخالص داخلی منهای صادرات) بودند.

یافته های حاصل از برآورد مدل نشان دهنده آن بود که عامل قیمت، نسبت به متغیر سطح فعالیت در تابع تقاضای واردات نقش کم رنگ تری دارد. این نتیجه در حالت کوتاه مدت و بلند مدت تفاوتی ندارد. به طور مشخص درآمد در تابع تقاضای واردات ایران در دوره بررسی ۱۳۷۵-۱۳۳۸ عامل تعیین کننده می باشد.

طیعی و توکلی (۱۳۷۹)، در مطالعه ای با هدف بررسی تاثیر واردات واسطه ای - سرمایه ای بر صادرات غیر نفتی در بخش صنعت، رفتار صادرات غیر نفتی در مقابل واردات واسطه ای - سرمایه ای را از دو بعد زمانی کوتاه مدت و بلند مدت مورد بررسی قرار دادند. بر این اساس ابتدا رفتار بلند مدت صادرات غیر نفتی مطابق روش همگرایی یوهانسن و جوسیلیوس بررسی شد و پس از استخراج بردار همگرایی رفتار کوتاه مدت صادرات غیر نفتی صنعتی برای سال های ۱۳۷۶-۱۳۴۰ مورد شناسایی قرار گرفت. نتایج به دست آمده دلالت بر آن دارد که صادرات غیر نفتی در بخش صنعت به نوسانات واردات واسطه ای - سرمایه ای حساس بوده و یک رابطه تعادلی و بلند مدت بین صادرات و واردات واسطه ای - سرمایه ای وجود دارد، به نحوی که یک درصد افزایش در واردات واسطه ای - سرمایه ای در کوتاه مدت ۰/۶۵ درصد و در بلند مدت، بیش از ۲ درصد صادرات غیر نفتی را با فرض ثبات سایر شرایط افزایش می دهد.

محمدی و سلطانی (۱۳۷۹)، الگوی تقاضای واردات گندم و برنج ایران از کشورهای مختلف عرضه کننده آن ها طی دوره ۱۳۷۷-۱۳۵۹ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از برآورد مدل تقاضای واردات دو

مرحله ای نشان داد که تقاضای واردات گندم اساساً با توجه به تأمین نیاز داخلی بوده و وابسته به سطح قیمت های وارداتی، درآمد ملی، قیمت های تضمینی نیست، در حالی که حجم واردات برنج بیش تر تابعی از سطح قیمت داخلی این محصول بوده است.

یوسفی (۱۳۷۹)، به بررسی و برآورد تابع تقاضای واردات کل ایران به وسیله ی تکنیک های همگرایی پرداخت. وی برای تخمین تابع تقاضای واردات از داده های سال های ۱۳۷۶-۱۳۳۸ استفاده کرد، و تابع تقاضای واردات را یک تابع دو طرف لگاریتمی در نظر گرفت که واردات تابعی از تولید ناخالص ملی و قیمت های نسبی، ذخایر ارزی، روند و متغیر مجازی (مربوط به دوران سیاست های تعدیل اقتصادی) در نظر گرفت که برگرفته از مدل موران بود. ارتباط بلند مدت بین واردات و متغیرهای توضیحی توسط آزمون همگرایی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج حاصل از تخمین نشان دهنده ی ارتباط مستقیم واردات با تولید ناخالص ملی، ذخایر ارزی و متغیر مجازی و ارتباط معکوس با قیمت های نسبی و روند بود، همچنین نتایج حاکی از آن بود که واردات نسبت به تولید ناخالص ملی و قیمت های نسبی با کشش و نسبت به ذخایر ارزی بی کشش است.

ابریشمی (۱۳۸۰)، تقاضای واردات کوتاه مدت و بلند مدت در اقتصاد ایران را با استفاده از روش هم انباشتگی جوهانسون و الگوی تصحیح و خطا بر اساس دو نوع تصریح سنتی و تصریح در شرایط محدودیت ارزی و با استفاده از داده های فصلی مورد مطالعه قرار داد. نتایج حاصله بیانگر این بود که تئوری استاندارد تقاضای واردات مبتنی بر انواع قیمت های نسبی و متغیرهای مقیاس، قادر نیست رفتار تقاضای واردات را در ایران به شیوه ی رضایت بخشی تبیین نماید. اما این نتایج بیانگر این بود که تصریح الگوی تقاضای واردات در شرایط محدودیت های ارزی، رابطه بلند مدت، میان واردات، تقاضای نهایی و نسبت پوشش ذخایر ارزی بر واردات را با قاطعیت پذیرفته و رفتار بلند مدت و کوتاه مدت واردات را در اقتصاد ایران به نحو مطلوبی توضیح می دهد.

فرحبخش و محرابیان (۱۳۸۰) به تخمین جدیدی از تابع تقاضای واردات در ایران طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۳۸ پرداختند. آن ها با توجه به ساخت اقتصادی ایران و مطالعات تجربی، تولید ناخالص داخلی و

سطح قیمت های نسبی را به عنوان مهم ترین متغیرهای توضیحی در تابع تقاضای واردات در نظر گرفتند. همچنین با توجه به رابطه نزدیک درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت با واردات ایران، متغیر درآمد های ارزی حاصل از صادرات نفت را نیز به عنوان یکی دیگر از متغیرهای موثر بر واردات در مدل لحاظ کردند. آن ها برای آزمون تجربی از مدل خود همبستگی برداری استفاده کردند که نشان داد، درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت، اثری مثبت و بلند مدت و قیمت های نسبی، اثر منفی و بلند مدت بر تقاضای واردات دارند.

توفیقی و محرابیان (۱۳۸۱)، عوامل موثر بر تقاضای واردات در ایران را با استفاده از داده های سری زمانی ۱۳۳۸-۱۳۷۸ مورد بررسی قرار دادند. آن ها برای آزمون تجربی از الگوی خود رگرسیون برداری (VAR)^۱ استفاده کردند که نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت اثر مثبت و قیمت های نسبی، اثر منفی بر تقاضای واردات (کل، واسطه ای، سرمایه ای و مصرفی) دارند.

صامتی وهمکاران (۱۳۸۱)، در تحقیقی به بررسی آثار جهانی شدن بر الگوی تقاضای واردات ایران طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۳۸ پرداختند. بدین منظور به آزمون فرضیه ها پرداختند. نتایج حاصله حاکی از آن بود که متغیر قیمت نسبی واردات در مدل تقاضای واردات به شکل خطی معنی دار نیست. بر اساس نتایج این تخمین به نظر می رسد که فرایند جهانی شدن وادغام در اقتصاد جهانی، سبب افزایش واردات ایران می شود.

طیپی و رنجبر (۱۳۸۳)، در مطالعه ای به شناسایی و بررسی ساختار واردات کشور و برآورد تقاضای بلند مدت واردات کشور با استفاده از الگوی سیستم تقاضای تقریباً ایده آل (AIDS)^۲ پرداختند. آن ها بدین منظور داده های سری زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۱ را مورد بررسی قرار دادند. بر همین اساس در ابتدا، فرضیه وابستگی تقاضای واردات به قیمت های داخلی و به دنبال آن، فرضیه های هم نسبتی، ه مگن و متقارن بودن این تقاضا را نیز مورد بررسی قرار دادند. سپس با به کار گیری فرآیند تعدیل پویای متقارن تصحیح خطای

^۱-Vector Auto Regressive

^۲-Almost Ideal Demand System